

بررسی فقهی مسکرات با مصادیق جدید

مرجان فرهانی نژاد*، سید محمدمهدی احمدی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۲)

چکیده

مصرف مسکرات جدید (روان گردانها و...) آثار نامطلوب روحی و روانی بر فرد دارد و در از لحاظ پزشکی و اجتماعی نیز دارای صدمات و زیانهای فراوانی است و امروزه در دنیای غرب که این امر به صورت آزاد رواج دارد، به ضررهای فوق الذکر اذعان دارند. دنیای امروز، بر حقانیت قانون جزایی اسلام، نسبت به مصرف مسکرات، صحنه می‌گذارد. علم کنونی نیز ثابت کرده است که مواد مسکرات چه قدیم و چه جدید، ام‌الخبائث و ریشه همه تبهکاریها و مفسده‌هایی است که باعث از بین رفتن عقل، فکر، سلامت و ثروت و گسیختگی نظام خانواده می‌شود. در جوامع امروزی، علاوه بر خمر، مسکرات و مواد جدیدی مانند مواد روان گردان و مخدر نیز تولید می‌شوند که چه بسا در صدر اسلام خبری از آنها نبوده است و در ضمن ضرر این مواد هم به مراتب، بیشتر از ضرر خمر می‌باشد. بنابراین امروزه ضروری است که فقهای معاصر مذاهب اسلامی در خصوص مصادیق جدید مسکرات، تحقیق نموده و طبق مصلحت جامعه، فتاوی‌ی متناسب با آثار تخریبی این مواد زیان بار، صادر نمایند، تا به لحاظ فقهی و حقوقی، گامی در جهت مبارزه با این پدیده شوم برداشته شود. حکم فقهی مواد مخدر و توهم‌زا، از جهات گوناگون قابل بررسی است. این عناوین از این قرار است: ۱. کشت گیاهانی که منجر به تولید مواد مخدر می‌شود: مثل کشت خشخاش. ۲. عملیات و فرایند تولید مواد مخدر که معمولاً در آزمایشگاه انجام می‌شود و گاه حتی برخی فرایندهای شیمیایی پیچیده را می‌طلبد. ۳. نگهداری و حمل کردن آن. ۴. پخش کردن آن میان گروه‌های هدف و عملیات واسطه‌گری. ۵. استعمال آن و... در این میان البته قاچاق مواد مخدر به عنوان یک عمل توزیعی قابل تأکید، مستوجب کیفر بزرگی همچون محاربه و فساد فی‌الارض است.

کلیدواژگان

اعتیاد، توهم‌زا، روان گردان، مخدر، مسکرات.

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Mafarjanf20@gmail.com

** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

یکی از پدیده‌های جدید در امر مسکرات که امروز گریبانگیر جامعه ما گردیده استفاده مواد مخدر و قرصهای روانگردان و... می‌باشد که یکی از بهترین و کارآمدترین راه مبارزه با این پدیده‌ها بیان راه‌کارهای اعتقادی و مذهبی است که در این خصوص صادر شده است لذا در این رساله که به روش کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی انجام گرفته هدف، بیان حکم شرعی اضرار به نفس با استفاده از ادله شرعی است که در آن پس از بیان کلیاتی از جمله تاریخچه مطالعاتی، بیان مسئله، پرسشهای تحقیق و اهداف مطالعاتی به ماهیت ضرر از لحاظ لغوی و اصطلاحی پرداخته و درباره ضرر نوعی و شخصی و همچنین ضرر واقعی و معلوم و تمایز آنها توضیحات لازم ارائه می‌گردد. به مراجع تشخیص ضرر حاصل از استفاده از این نوع مسکرات، که عبارتند از خود مکلف، عرف عام، کارشناس و اخبار شخص موثق اشاره و ادله‌ای که با بهره‌گیری از عقل، سیره و همچنین آیات و روایات بیان می‌شود تا به صورت دقیق به اهمیت موضوع اشاره شود.

فقه‌های امامیه و اهل سنت برای حرمت اضرار به نفس به آن تمسک کرده‌اند، از کتاب به آیه تهلکه و آیه قتل و از سنت به روایت لا ضرر و لا ضرار و حدیث تحریم میته و خمر، روایاتی که در رفع تکلیف ضرری وارد شده و روایات مربوط به اکل طین و حدیث اخذ حلال و ترک الشبهات و حدیث اکل میته، اشاره شد.

سپس برای تأیید کلام و استدلال‌ات از علمای امامیه و اهل سنت فتاوی و استناداتی ذکر شد که ضرر رساندن به نفس را حرام می‌دانستند. همچنین حکم عقل و قانون «کل ما حکم به العقل حکم به الشر» و سیره عقلاء و سیره متشرعه به حکم اضرار به نفس، به تفصیل توضیح داده خواهد شد و ضرر رساندن به نفس اعم از مالی، جنسی، روحی، عرضی به استفاده از ادله اربعه حرام می‌باشد و مرتکب آن مستحق عقاب اخروی می‌باشد.

حرمت شراب (مسکر)

در همه ادیان الهی، خوردن مشروب حرام بوده و اگر در بعضی از ادیان این امر رایج است به خاطر انحراف از مسیر اصلی خود است.

در دین اسلام نیز خوردن شراب حرام بوده ولی زمینه‌های روانی و اجتماعی و فرهنگی برای بیان حکم حرمت آن فراهم نبوده و به همین خاطر حکم قطعی تحریم شراب یک باره برای اعراب جاهلی و مشرکین نازل نگردید بلکه به تدریج و در طی مراحل با فراهم کردن زمینه‌های روحی و فکری و اجتماعی حکم قطعی حرمت شراب برای مردم بیان شد.

در بعضی سوره‌های مکی اشاراتی به زشتی شرب خمر شده است چنان که در آیه ۶۷ سوره نحل آمده است: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا؛ از میوه‌های درخت نخل و انگور، مسکرات و روزی‌های پاکیزه فراهم می‌سازید» در اینجا «سکر» یعنی مسکر و شرابی را که از انگور و خرما می‌گرفتند، درست در مقابل رزق حسن قرار داده است و آن را نوشیدنی ناپاک و آلوده شمرده است.

ولی عادت زشت شرابخواری عمیق تر و ریشه دار از آن بود که با این اشاره‌ها ریشه کن شود به علاوه شراب بخشی از درآمدهای اقتصادی آنها را تشکیل می‌داد، به همین خاطر وقتی که مسلمانان به مدینه منتقل شدند و نخستین حکومت اسلامی تشکیل شد، دومین دستور در زمینه منع شراب خواری به صورت قاطع تری نازل گشت تا افکار را برای تحریم نهایی آماده تر سازد: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا (بقره، آیه ۲۱۹)؛ از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند. به آنها بگو در این دو گناه بزرگ و منفعت‌هایی برای مردم است ولی گناه و زیان آنها از نفع و سودشان بیشتر است». (موحدیان عطار، سایت پرسمان دینی)

در حکم تحریم استعمال مواد روان گردان و سایر مسکرات، می‌توان به آیاتی از قرآن کریم استناد کرد.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵)؛ «و در راه خدا، انفاق کنید و با دستانتان خود را به هلاکت

نیافکنید» نیکی کنید! که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ بِيحَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (سوره نساء، آیه ۲۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را به باطل [و از طرق نامشروع] نخورید، مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.»

این دو آیه، نگهداری و سلامت نفس را واجب قرار داده اند و نیز واجب کرده اند که نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرار داد که منجر به قتل نفس شوند، مگر اینکه مصلحت راجحی وجود داشته باشد مانند جهاد در راه خدا. (طیار، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۹)

همچنین خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره، ۱۶۸) «ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ [چون] او، دشمن آشکار شما است»
 «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنَّ كُفْرَكُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۵۰)، «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل، آیه ۱۱۴) (پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه را بخورید و شکر نعمت خدا را بجا آورید، اگر او را می‌پرستید»

در سه آیه فوق با صراحت تمام ملاک اکل (اعم از خوردن، نوشیدن، استعمال نمودن و هرگونه تصرف دیگر) در اشیاء و موادی که خداوند برای حیات بشر، خلق نموده است، دو امر طیب بودن و حلال بودن قرار داده شده است. در تعریف حلال و حرام آمده است: حلال به آن چیزهایی که شرعاً خوردن و هرگونه تصرف در آن جایز باشد، گفته شده و حرام به چیزهایی که خوردن، آشامیدن و هر نوع تصرف، کلاً در آن جایز نباشد، گفته می‌شود. (عظیمی؛ اصغری، ۱۳۹۳، ص ۶۲)
 در بحث اطعمه و اشربه و سایر امور زندگی از لحاظ اسلام یکی از دو حکم در آن مطرح است: حرمت و حلالیت. کلاً تمام خوردنیها و آشامیدنیها و تمام تصرفاتی که منجر به ضرر و زیان به خود و یا دیگران نباشد، حلال و نقطه مقابل آن حرام است. (باصری، ۱۳۸۹، ص ۴۸)

علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات زیادی در کتب حدیثی شیعه و سنی از پیامبر (ص) روایت شده مبنی بر اینکه هر مسکری حرام است. همچنین علاوه بر مطالب مذکور، با توجه به گستردگی

انواع مواد مخدر و روان گردان در عصر حاضر و با توجه به آثار زیان باری که در اثر استفاده این مواد نصیب مصرف کنندگان و به ویژه جوانان در جوامع اسلامی می شود، فقهای معاصر مذاهب اسلامی می توانند از نیز استفاده «سد ذرایع» و «لا ضرر» باب قاعده فقهی از این مواد را ممنوع کنند، تا اینکه زیان و ضررهای ناشی از استعمال این مواد، متوجه فرد مصرف کننده و اطرافیانش نشود.

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می شود، است که مستند بسیاری از مسائل «لا ضرر» قاعده فقهی محسوب می شود. اهمیت قاعده مذکور به حدی است که بسیاری از فقها از گذشته دور در تألیفات و تقریرات خود رساله مستقلی را به آن اختصاص داده اند. در خصوص لا ضرر، روایات بسیار زیادی وارد شده که از فرط تعدد به صورت تواتر اجمالی درآمده اند؛ به این معنا که هر چند همه روایات مذکور به یک لفظ نیستند، ولی مضمون واحدی دارند. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۱)

همچنین فقها از باب «سد ذرایع» نیز می توانند استعمال مواد روان گردان و سایر مسکرات را تحریم کنند. «ذرایع» به معنی به معنی وسایل است و «ذریعه» وسیله و راه رسیدن به یک چیز است، خواه آن شیء، مفسده و یا مصلحت و خواه قول و یا عمل باشد. اما بر وسایل منجر به فساد، اطلاق اسم ذرایع غلبه یافته است. پس هرگاه گفته شود: این چیز از باب سد ذرایع است، به این معنی است که: آن چیز از باب منع وسایل منجر به فساد است. (عبدالکریم، ۱۴۲۷ق، ص ۲۴۵)

حکم مسکرات مستحدثه

تعریف مستحدثه، در هر عصری مسائل جدیدی طرح می شود که هیچ گونه سابقه ای از آن ها به چشم نمی خورد و یا ممکن است موضوعات دوران قبل بر اثر تحولات به موضوعات جدید تبدیل شوند. بنابراین هر موضوع جدید که پیشینه ندارد، از نظر فقها مستحدثه و نوظهور هستند.

(وبسایت فقه حکومتی <http://vasael.ir/fa/print>)

روانگردان ها یکی از موضوعات مستحدثه می باشند که به دلایل چهارگانه قرآن، روایات، حکم عقل و اجماع به اثبات رسیده است.

۱. آیاتی راجع به این اضرار به نفس و... بیان شد که حکم آن را می‌توان به موضوع بحث (روانگردانها) تعمیم داد.

۲. روایات متعددی در این زمینه بیان شد که لازم به ذکر مجدد آن نیست.

۳. دلیل عقل که استقراء که یک دلیل منطقی و عقلی است، برای اثبات موضوع حرمت مسکرات مستحدثه به کار می‌رود.

در مورد نجاست مسکرات استقراء تام داریم مبنی بر این که هر کجا حرمت مسکر ثابت شده باشد، نجاست آن هم اعلام شده است. تمامی مسکرات نجس‌اند در عین حالی که در حرمت شرب مسکرات اختلافی وجود ندارد پس از اینکه ملازمه ثابت شد نجاستش هم اعلام می‌شود. فتوای مشهور و فتوای متن بر نجاست کل مسکرات است. (وبسایت ارتباطات شیعی، درس خارج فقه استاد مصطفوی، 91/07/02). محقق حلی، در کتاب معتبر، جلد ۱، صفحه ۴۲۴، می‌فرماید: «تنجیس مسکرات همانند تنجیس خمر است.»

مبانی فقهی حرمت مواد مخدر

مواد مخدر یکی موضوعاتی است که در کلمات ائمه معصومین (ع) و فقهای قدیم آمده است. بنج، مفر، مخدر و افیون چهار عنوانی است که هم در روایات و هم در کلمات فقها آمده و آثار و احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است. (احمدرضایی، علی، ۱۳۹۲، ص ۸) شیخ طوسی (ره) در این باره فرموده است:

«هر کس بنگ استعمال کند همانند کسی است که خانه کعبه را هفتاد بار خراب کرده هفتاد ملک مقرب را کشته و هفتاد پیامبر مرسل را به قتل رسانده باشد و همچون کسی است که هفتاد قرآن را سوزانده و.... چنین کسی از رحمت خدا از شراب خوار، ربا خوار، زانی و سخن چین هم دورتر است.» (طوسی، ۱۳۵۰ق، ج ۳، ص ۴۵).

اگر چه در گذشته فقها به تحریم مطلق مواد مخدر فتوا نداده و آن را منوط به تحقق ضرر کرده‌اند، ولی اکنون که ضرر داشتن آن بر همه آشکار شده است، در حرمت آن تردیدی باقی نمی‌ماند.

تا جایی که آیت الله فاضل لنکرانی تصریح کرده اند که: «کشیدن تریاک و لو اینکه اطمینان به عدم اعتیاد هم در آن باشد جایز نیست» یا آیت الله گلپایگانی ضمن فتوای صریح به حرمت استعمال تریاک، حشیش و مواد مخدر، استعمال تفریحی آن را در صورتی که شخص در معرض اعتیاد قرار گیرد، حرام می‌دانند. (گلپایگانی، بی تا،).

استعمال مواد مخدر در حدی که آثار زیانبار آن محسوس باشد- چنان که غالباً در اشخاص معتاد چنین است - بی تردید مشمول حرمت در فقه اسلامی می‌باشد.

حکم شرعی

از زمان مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ق) تا امروز فتاوی صریحی در خصوص استعمال مواد مخدر از مراجع و مجتهدین در دست می‌باشد.

در لابه لای کلمات فقهای بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارد که حکایت از حرمت مواد مخدر نزد آنان دارد. البته فقها در مبنای تحریم مواد مخدر با یکدیگر اختلاف داشته و دارند. برخی به عنوان یک موضوع مستقل، قایل به حرمت بوده اند.

حکم عقلی

دلیل اصلی حرمت استعمال مواد مخدر حکم عقل و تطبیق برخی از قواعد و احکام قطعی فقهی بر آن می‌باشد، البته در تبیین دلیل عقل و چگونگی حکم عقل می‌توان صور مختلفی ترسیم نمود.

مرحوم شهید صدر:

ایشان قایل هستند که عقل از باب قیاس مواد مخدر به خمر، حکم به حرمت آن می‌کند، زیرا علت منصوصه ی حرمت خمر، ذهاب عقل و شعور بوده و این علت در مواد مخدر به طور یقینی وجود دارد. (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۱۷)

برخی دیگر حکم به حرمت مواد مخدر کرده اما نه از باب قیاس به خمر بلکه آن را مسکر دانسته و از آنجا که در شرع اسلام حرمت استعمال مسکرات امری مسلم می‌باشد، حرمت مصرف مواد مخدر را مسلم دانسته اند. اما باید بررسی شود که آیا واقعا مواد مخدر از مسکرات هستند و عین احکام جزائی و تکلیفی مسکر را دارند؟

کارشناسان مواد مخدر بر این اعتقاد دارند که فرآورده های حشیش و تریاک که مورد سوء مصرف قرار می گیرند، به طور قطع از مسکرات هستند، زیرا برای مدت زمانی عقل را زایل می کند و انسان را به مرحله ی حیوانی و بی خودی ساقط می کند. (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۹۵)

ملاک در تشخیص مسکر از غیرمسکر و خمر از غیرخمر، عرف می باشد. در نظر عرف نمی توان مواد مخدر را عین مسکر دانست تا احکام مختلف آن را بر مواد مخدر بار نمود. در عین حال با نظر به روایات حرمت خمر و مسکرات و فلسفه و علت حرمتی که برای آنها بیان شده، شاید بتوان از باب تنقیح مناط، حکم حرمت خمر و مسکرات را به مواد مخدر سرایت داد، زیرا تمام علت و فلسفه حرمت خمر را که در روایات صحیحه آمده است، امروزه به روشنی در استعمال مواد مخدر می یابیم.

حرمت از باب اکل سم و اضرار شخصی و اجتماعی

برخی از فقها، مانند مرحوم آیت الله خوئی استعمال مواد مخدر را از باب اکل سم و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی که حرمت آن در شرع مسلم است حرام دانسته اند. (خوئی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵)

برخی، مانند آیت الله خامنه ای به وسعت ضرر آن خصوصا ضرر اجتماعی که مترتب بر مصرف مواد مخدر می باشد توجه نموده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته اند. (خامنه ای (الحسینی) ۱۳۸۷، ص ۲۲)

به نظر می رسد حرمت مواد مخدر از این باب امری روشن است، زیرا قاعده ی لاضرر با هر کدام از معانی و تفسیری که علما برای آن کرده اند و در بحث بعدی به آنها اشاره خواهد شد بر استعمال مواد مخدر قابل تطبیق است.

حرمت از باب قاعده ی حرمت اسراف

در قرآن، اخبار و کلمات علما از اسراف به طور مکرر سخن به میان آمده است که حاکی از حرمت آن می باشد، به طوری که در حرمت اسراف هیچ شکی نمی باشد. در عین حال بسیاری از فقها به طور دقیق به تبیین موارد و احکام جزائی آن نپرداخته اند اگر چه برخی در صدد طرح و

تحقیق در آن برآمده اند. مرحوم مولی احمد نراقی می‌فرماید: «بیان این قاعده از امور مهم و لازم است». وی موضوع را به عنوان قاعده‌ی حرمت اسراف طرح نموده و ابتدا وارد بیان ادله حرمت آن شده و سپس وارد معنی اسراف می‌گردد. ایشان پانزده معنی برای آن ذکر می‌کند و سپس همه را به دو معنی ارجاع می‌دهد؛

۱. انفاق در معصیت

۲. مجاوزة الحد

سپس می‌گوید:

بر اساس هر یک از دو معنی فوق، استعمال مواد مخدر از مصادیق بارز اسراف است، زیرا چنانچه با ادله دیگری غیر از ادله حرمت اسراف اثبات شود که استعمال مواد مخدر حرام و معصیت است، در این صورت صرف مال برای استعمال مواد مخدر به معنای «انفاق در معصیت» مصداق اسراف می‌باشد، اما اگر نتوان با ادله دیگری غیر از قاعده‌ی حرمت اسراف، حرمت آن را اثبات کرد، به معنای دوم مصداق اسراف است، زیرا استعمال مواد مخدر، مصرف مال در چیزی است که نزد عقلا قبیح و ناپسند است و انسان رشید خود را از مصرف مواد مخدر بی‌نیاز می‌داند و اساساً خلاف اقتصاد است. (نراقی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۷)

حرمت از باب قاعده حرمت مقدمه حرام

یکی از احکام کلی و قواعد فقهیه، حرمت مقدمه حرام است. مقدمه حرام گاهی سبب فعل حرام می‌شود و گاهی شرط و زمینه فعل حرام را فراهم می‌کند.

در صورت اول مقدمیت و به تبع، حرمت آن محرز است. در صورت دوم مرحوم ملا احمد نراقی دو فرض قائل شده: اول این که شخص، مقدمه را به قصد تحقق فعل حرام انجام می‌دهد که این فرض نیز حرام بوده و مرحوم نراقی در حرمت این فرض نفی خلاف نموده است. دوم این که قصد تحقق حرام را ندارد، در این فرض مقدمه را نمی‌توان حرام دانست. (همان)

مصرف مواد مخدر - صرف نظر از حرمتی که با سایر ادله بر آن بار می‌شود - اگر نگوئیم از باب سببیت فعل حرام مقدمیت دارد می‌توان گفت که از مصادیق مهم ارتکاب مقدمه حرام - از

باب شرط و زمینه فعل حرام به قصد تحقق فعل حرام - می‌باشد. بیان مقدمیت به این صورت این است که: اگر چه مصرف کننده در ابتدا قصد وقوع در مهالک حرام یا ارتکاب محرماتی مانند دزدی، قتل، ترک واجبات شرعی، سوءاستفاده از نزدیکان و مفساد جنسی و... را ندارد، اما امروزه اعمال حرامی که اکثر معتادین پس از مصرف یا برای دستیابی به مواد، مرتکب می‌شوند و مهالک حرامی که برای خود فراهم می‌کنند و آگاهی از این عاقبت و پیامدها کفایت از قصد آنان برای این قبیل افعال حرام می‌کند، لذا می‌توان استعمال مواد مخدر را از باب مقدمه حرام به معنی دوم یعنی شرط تحقق آن دانست و با توجه به این که معتاد و مصرف کننده، علم به پیامدهای حرام استعمال و اعتیاد به مخدر دارد که در پاره ای موارد، ناگزیر از آنها است، همین علم را به منزله قصد، تلقی کرد و حکم به حرمت آن نمود.

مواد روان گردان

روان گردان اکس تیزی روانگردانی نود ساله می‌باشد که فرمول اصلی این دارو متیلن دی‌اکسی مت آمفتامین با علامت اختصاری MDMA می‌باشد که توسط آلمانی‌ها به عنوان سرکوب‌کننده اشتیاق برای مصرف داروها تولید و در جلسات روانکاوی و روان‌درمانی بیماران روانی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در دهه ۱۹۵۰ نظامیان آمریکا آن را به صورت دارویی مرکب مورد آزمایش قرار دادند و در دهه ۱۹۶۰ مصرف وسیع آن توسط انسان‌ها آغاز گردید. این دارو به‌طور معمول از طریق خوراکی به مقدار ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلی‌گرم مصرف و اثرات اولیه بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه پس از مصرف تجویز می‌شود و در ۲ تا ۴ ساعت پس از مصرف به مرحله اوج می‌رسد.

روان گردان‌ها با تأثیر بر نرون‌های حاوی سروتونین و آکون‌ها باعث اختلال در حواس شده و آثاری چون تغییر در ادراک زمانی، تغییر در ادراک بینایی، تغییرات گفتاری، کاهش دفاعی بدن و... را تا ۲ تا ۴ دقیقه پس از مصرف ایجاد می‌کند و در ادامه باعث کاهش خواب، کاهش توان و تمایل به انجام کارهای فکری و بدنی، خستگی و... می‌شود.

اکس تیزی از سال ۲۰۰۱ بر اساس توطئه غربیان به سرکردگی آمریکا با تحولاتی که توسط

گروه طالبان در منطقه علی‌الخصوص افغانستان ایجاد شد رواج یافت و در بین جامعه و مخصوصاً نسل جوان مصرف‌کنندگانی را جذب نمود. (بررسی مواد روانگردان و مخدر در اسناد ملی و بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، استاد راهنما، جناب آقای دکتر علی امیری، ۱۳۸۴)

بر اساس آمار در جهان در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ مرگ ناشی از مصرف قرص‌های اکستازی حدود ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. همچنین از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ بیمارستان‌های سراسر جهان با ۹۰ برابر افزایش شمار مسمومیت با قرص‌های اکستازی مواجه شده‌اند. (روزنامه همشهری، ۳۳۹۴، ۸۹/۳/۱۰)

هم اکنون، این قرص‌ها در شکل‌های مختلف و با اسامی مختلف از جمله نام کمپانی‌های ماشین‌سازی، ادیان آسمانی و نهادهای گروه‌های موسیقی مختلف در داخل کشور توزیع می‌گردد و نوع جدید آن نیز در حال تولید و عرضه به بازار است که مصرف آن معادل خوردن چندین قرص خواب‌آور در یک لحظه است و فرد را گاهی تا مرز یک هفته نیز به خواب فرو می‌برد.

آثار استفاده از این مواد را می‌توان انقباض رگ‌های ماهیچه، کاهش قدرت دفاعی بدن و کاهش بینایی چشم و حتی کوری گرفته تا مرگ، مسمومیت و اختلال حواس نام برد. جالب اینکه در میان تمام تأثیرات این قرص‌ها بر سیستم‌های گوارشی یا دفاعی و گردش خون بدن، هیچ تأثیر مثبتی دیده نمی‌شود و جالب‌تر اینکه با وجود تمام این مشکلات که در دراز مدت، فرد را دچار احساس پوچی و تباهی می‌کند و در اکثر موارد، باعث خودکشی یا خودسوزی نیز می‌شود. هنوز جوانانی هستند که به این تولید ضد فرهنگی و ضد انسانی نازیست‌های آلمانی پاسخ مثبت می‌دهند و برای همیشه منجر به تباهی خود می‌شوند. (آقای، مجله علمی و پزشکی قانونی، ارش، شماره ۱۳۸۴/۱۸)

اقسام مواد روانگردان

اپیوئیدها

این دسته از داروها، آنالژژیک‌های صناعی نظیر پیتیرین و متادون می‌باشد. علاوه بر اثر تمایلی

(جاذب) سرخوشی آور، این داروها باعث یبوست، کاهش اشتها و کاهش میل جنسی می‌شود. حتی این دارو از طریق وریدی مصرف می‌شود و به سرعت وابستگی ایجاد می‌کند. وقتی این دارو متوقف می‌شود از تحمل کاسته می‌شود، به طوری که یک دوز مصرفی بعد از یک دوره پرهیز نسبت به زمانی که قبل از این دوره خواهد داشت، تأثیر بیشتری دارد.

ضد اضطراب‌ها

رایج‌ترین داروهای نسخه شده روان‌گردان ضداضطراب‌ها هستند. این داروها از راه دهان مصرف می‌شوند. بسیاری از بیماران میانسال به خاطر بی‌خوابی و اضطراب شروع به مصرف بنزودیازپین کرده، وابستگی پیدا می‌کنند و آنگاه برای به دست آوردن آن به پزشکان مختلف مراجعه می‌کنند. (گودرزی، فرامرزی، پزشکی قانونی، ص ۱۲۳)

محرک‌ها

داروهای مذکور سبب بی‌خوابی شده و حالت هیجان در مصرف‌کننده ایجاد می‌نمایند که معروف‌ترین آن‌ها «آمفتامین» (Amphetamine) است. آمفتامین تا سال ۱۹۳۰ برای درمان افسردگی، تحریک سیستم عصبی ساخته شده، بعدها جزو داروهای روان‌گردان اعلام گشت.

توهم‌زا

توهم یک تجربه درک در غیاب تحریک خارجی ارگان حسی است. به عنوان مثال شنیدن یک صدا در زمانی که کسی در حال صحبت کردن در فاصله قابل شنیدن نیست.

توهم دو خصیصه عمده دارد:

۱. به صورت یک درک واقعی تجربه می‌شود و به عنوان یک تصور نیست.
۲. به نظر می‌رسد از دنیای خارج می‌آید. در بعضی از حالات پزشکی مانند هیپوگلیسمی.

Hypoglycemia (کمبود قند خون))

دیگر داروهای توهم‌زا عبارتند از:

۱. لیزرژیک اسید دی اتیل آمید ((LSD

۲. دی متوکسی میل آمفتامین ((STP-DOM

۳. تری متوکسی آمفتامین ((IMA

۴. دی متیل تریپتامین ((DMI

۵. سیلوسبین

۶. مسکالین

۷. متیل دی اکسی متامفتامین

۸. فن سیکلیوسین

انواع زیادی از چسب‌ها، حلال‌ها، پاک‌کننده‌های فرار بوده و می‌توانند به خاطر آثار روانگردان استنشاق شوند. این مواد مشتمل بر، کروزن، چسب پلاستیک و لاستیک، تینر رنگ می‌باشد. ماده مربوطه از ظرف بعضاً بسته‌ای است که می‌تواند عمل غلیظ سازی را انجام دهد یا از یک پارچه آغشته یا پاکت پلاستیکی استنشاق می‌شود.

علائم مسمومیت با حلال: اختلال جهت‌یابی، عدم هماهنگی راه رفتن، تهوع، استفراغ و اغما. (بررسی مواد روانگردان و مخدر در اسناد ملی و بین‌المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، استاد راهنما، جناب آقای دکتر علی امیری، ۱۳۸۴)

تأثیرات مواد روانگردان

تأثیرات مواد روانگردان بر جسم انسان

تحقیقات نشان داده است که داروی نشاط آور اکستاسی (ecstasy) خطر بروز حمله قلبی را افزایش می‌دهد. اکستاسی نوعی داروی مخدر است که مصرف آن موجب بروز احساس شادی (یا اندوه) بسیار زیاد در مصرف کننده می‌شود و به رغم آسیب‌های جدی که این ماده مخدر بر مغز و سلامت انسان وارد می‌کند، در بین مصرف کنندگان این باور غلط وجود دارد که ماده ای بی خطر است.

اکستاسی که مصرف آن در بین جوانان افزایش یافته، به جز برخی از کشورها در سایر کشورها

در ردیف داروهای غیرقانونی است ولی از آنجا که از فرمول ساده بی برای تولید برخوردار است، در تمامی کشورها و از جمله ایران تولید می‌شود.

همچنین مصرف اکستاسی همانند مصرف آمفتامین موجب بروز حمله قلبی خواهد شد. تحقیقات انجام مویده آن است که آمفتامین و کوکائین انعقاد خون را تشدید کرده و در نتیجه با مسدود کردن عروق خونی موجب بروز حمله قلبی می‌شوند.

یکی از متداول‌ترین عوارض مصرف اکستاسی که اکثر مواقع منجر به مرگ می‌شود افزایش شدید دمای بدن یا هیپرترمی است که منجر به از کار افتادن ماهیچه‌ها، کلیه‌ها و دیگر اعضای بدن می‌شود. (جعفری، داروهای روان گردان، ۱۳۹۵).

تأثیرات بر روان انسان

از نظر روانی مصرف روان گردان‌ها در بسیاری از افراد اعتماد به نفس را افزایش داده و شخص راحت تر با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، به طوریکه معاشرتی شدن، بی پروایی در رفتار و گفتار، احساس محبوب بودن و مورد توجه قرار گرفتن، احساس قدرت و نیروی فوق العاده داشتن، بروز رفتارهای هیجانی و تشدید امیال جنسی از آثار مصرف روان گردان‌ها گزارش شده است.

بزرگترین مشکل مصرف کنندگان روان گردان‌ها پایان سرخوشی اولیه است. زیرا با از بین رفتن تأثیر دارو و نشنگی حاصل از سوء مصرف افسردگی شدید و عمیق بروز می‌کند. افسردگی همراه با عوارض دیگر مانند بی قراری، اضطراب، خستگی و کوفتگی عضلات، همچنین بی انگیزگی و بی تفاوتی شدید در زندگی روز مره فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کنار این موارد میل مفرط و شدید به مصرف مجدد مواد نیز در فرد به وجود می‌آید که می‌تواند اولین قدم و همچنین قدم تعیین کننده در راه وابستگی روانی به مواد مخدر باشد.

افرادی که مصرف را تازه شروع کرده‌اند زندگی روز مره‌شان هنوز تحت تأثیر مصرف قرار ندارد، اما پس از حدود شش ماه مصرف مداوم، اشتیاق مفرط و غیرقابل کنترل به مصرف دایمی در آنها به وجود می‌آید. ضمن این که اشتیاق به مصرف این مواد فرد را به سمت استعمال و مصرف مواد مخدر دیگر مانند حشیش، کوکائین و حتی بعضی داروهای پزشکی روان گردان سوق می‌دهد.

استعمال طولانی مدت مواد موجب اختلال در بهداشت و سلامت جسمانی و روانی فرد می‌شود که با بروز بسیاری از بیماری‌های مزمن و خطرناک همراه است. همچنین از آنجا که اعتیاد بیشتر به هنگام ایجاد و ساخت خانواده و در ارزشمندترین سال‌های زندگی، از نظر میزان کارایی، بیشترین تأثیر را بر زندگی خانوادگی و شغلی فرد می‌گذارد. مواد روانگردان تنها به فرد مصرف کننده آسیب نمی‌رساند بلکه به هر کس که با وی در تماس باشد آسیب می‌رساند. (فاضلی، ۱۳۸۱)

بررسی تأثیر مواد الکلی و روان گردان‌ها در جرم از منظر قانون و فقه

سیر قانون گذاری

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، مقرر خاصی در مورد ارتکاب قتل و یا به طور کلی جرم در حال مستی دیده نمی‌شود. تنها مقرر شده است که می‌شد در زمان حاکمیت این قانون در مورد جرم در حال مستی بدان استناد جست، ماده ۴۰ آن بود که با شناسایی «جنون» و «اختلال دماغی» به عنوان «موانع مجازات» مقرر می‌داشت: «کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت...» به هر حال قانون گذار به صراحت، مستی را رافع مسئولیت جرم ارتكابی در حال آن ندانسته بود و به همین جهت بود که دیوان عالی کشور در آرای اصراری نظر داده بود که: «فقدان اراده متهم از جهت مستی موجب معافیت از کیفر نیست» برای اولین بار ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ به موضوع ارتکاب جرم در حال مستی پرداخت:

ماده ۳۷ مستی حاصل بر اثر استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر یا نظایر آنها به طور کلی رافع مسئولیت جزایی نیست و اگر ثابت شود استعمال مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم بوده، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.

ماده ۲۸ مقرر می‌داشت: اگر ثابت شود استعمال مواد الکلی مسکر به منظور ارتکاب جرم بوده، مجرم به مجازا استعمال و هم چنین جرمی که مرتکب شده، محکوم خواهد شد. این ماده تنها به بیان این قاعده می‌پرداخت که: «الامتناع بالاختیار لایناف الاختیار» (خویی، اجود التقریرات، ۱۴۱۹ق).

قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب
الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد.
در سال ۱۳۷۰، کمیسیون امور قضایی مجلس ماده ۲۰ را با اضافه کردن «و در صورتی که اقدام
وی موجب اخلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد
موجب حبس تعریزی از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود».

اگر کسی بر اثر شرب خمر یا مصرف مواد مخدر یا روان گردان و نظایر آنها مسلوب الاراده
شود جرمی که در آن حال بدون اراده و اختیار از او سر می‌زند مستوجب مجازات آن جرم خواهد
بود و اگر در حال ارتکاب جرم به اختلال نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده دچار شود طبق ماده
(۴-۱۴۲) این قانون عمل خواهد شد. لیکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب
جرم یا با علم به تحقیق آن بوده است، مجرم علاوه بر مجازات مصرف آنها به مجازات جرمی که
مرتکب شده است، نیز محکوم می‌شود.

و دیگری ماده ۱۰-۳۱۳ که جایگزین ماده ۲۲۴ است و مقرر می‌دارد:

ارتکاب جنایت در حال مستی یا عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد روان گردان و مانند آن
موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی و عدم تعادل روانی، جانی به کلی
مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است که در این صورت موجب قصاص نیست و
جانی افزون بر پرداخت دیه به حبس از ۱ تا ۲ سال محکوم می‌شود و اگر ثابت شود که جانی قبلاً
خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی غالباً
موجب صدور آن جنایت از او می‌شود، جنایت عمدی محسوب می‌شود. (بررسی تاثیر مواد الکلی
در جرم از منظر قانون و فقه، سایت اندیشه نوین، چهارشنبه یازدهم خرداد ۱۳۹۰).

مستی و رفع یا عدم رفع مسئولیت کیفری

در پی آنیم تا بدانیم براساس موازین فقهی و حقوقی، باید مست را نسبت به جرایم ارتكابی در
حال مستی، مسئول دانست یا خیر. بدیهی است که:

- اولاً زمانی که مستی تعمدی می‌باشد والا اگر مستی با جهل به موضوع و یا با فقد اراده و

رضایت صورت گیرد و در حال مستی، مست مرتکب جرم شود، شخص مست، مسئولیتی نسبت به جرایم ارتكابی اعم از عمد و غیر عمد ندارد؛ نسبت به جرایم عمدی چون اراده وجود دارد و نسبت به جرایم غیر عمدی، چون عنصر معنوی جرایم غیر عمدی، تقصیر است و مستی غیر تعمدی، تقصیر به شمار نمی‌رود.

- ثانیاً اگر مستی باعث سلب اراده به طور کلی شده باشد و گر نه اگر اراده باقی باشد هر چند اختلال نسبی یافته باشد، دلیلی برای رفع مسئولیت نیست گر چه می‌توان در این فرض از عامل مخففه مجازات بودن یا نبودن مستی بحث کرد.

- ثالثاً در صورتی که شخص پیش از ارتكاب جرم و برای ارتكاب جرم، خود را مست ننموده باشد و گر نه این امر عقلی و عقلایی است که در چنین فرضی، مسئولیت کیفری برای مست تصور نمود زیرا که الامتنان بالاختر لاینافی الاختیار.

- رابعاً اگر مست پیش از استعمال مواد الکلی، نمی‌دانسته که ممکن است در اثر مستی، جرمی را مرتکب شود و گر نه اگر با توجه به سوابق و روحیات خود، می‌دانسته یا احتمال قوی می‌داده که ممکن است پس از مستی، مرتکب جرم شود، باز می‌توان برای وی به وجود مسئولیت کیفری قائل شد

حال با همه این تفصیلات در صورتی که کسی عالماً و عامداً مست شود و اراده اش به کلی زایل شود و در حال مستی مرتکب جرمی شود، در حالی که نه خود را برای ارتكاب آن جرم مست ننموده و نه می‌دانسته که ممکن است مرتکب جرم شود و با این وجود مرتکب جرم شده است، آیا باید او را مسئول قلمداد نمود یا فاقد مسئولیت؟

دو عقیده در این میان دیده می‌شود:

۱. وجود مسئولیت، ۲. عدم مسئولیت.

ادله وجود مسئولیت کیفری

طرفداران وجود مسئولیت کیفری به اموری استناد نموده یا می‌توانند استناد نمایند.

۱. قاعده الامتنان بالاختر لاینافی الاختیار اقتضا می‌کند که مست، مسئول کیفری جرایم

ارتكابی در حال مستی باشد زیرا وقتی شخصی با اراده، خود را مست نماید، مطابق این قاعده مختار و دارای اراده شناخته می‌شود. به تعبیر دیگر زوال اختیار با اراده، مانع مختار دانستن شخص نیست. به هر حال کسی که با اراده می‌خواهد خود را مست کند، کاری غیرعقلایی اقدام نمی‌کند که ممکن است جرم و نتیجه زیان باری به دنبال داشته باشد به همین جهت است که راننده ای که بی احتیاطی یا بی مبالاتی کرده و در اثر آن کسی را کشته است، مسئول شناخته می‌شود.

۲. امر نامشروع نمی‌تواند رافع مسئولیت کیفری باشد. توضیح اینکه: بنابر اینکه مستی تعمودی جرم باشد (که در نظام حقوقی اسلام چنین است)، جرم نمی‌تواند رافع مسئولیت نسبت به جرمی دیگر باشد همان گونه که گاه جهل تقصیری رافع مسئولیت شمرده نشده است.

۳. در حدیث رفع که پیامبر (ص) در مقام احصاء امور رافع مجازات هستند، از شش امر و یا به نقلی از نه امر همچون صغر و جنون و اکراه و جهل و اضطرار و... نام برده اند اما از مستی نامی به میان نبرده اند و فرموده اند: رفع القلم عن السكران حتی یعقل.

۴. در خصوص قتل در حال مستی، روایتی است که از آن فهمیده می‌شود که مست می‌تواند برای ارتکاب قتل در حال مستی قصاص شود و چون قتل خصوصیتی ندارد، در سایر جرایم نیز می‌توان به مسئولیت مست قائل شد. حتی شاید بتوان از اولویت استفاده نمود و چنین گفت: وقتی کسی که در حال مستی تعمودی مرتکب قتل شده است، قاب قصاص است، به طریق اولی می‌توان او را به مجازات‌های کم تر از قصاص نفس نیز محکوم نمود.

این روایت که معتبره سکونی است بیانگر این حکایت است که چهار نفر شراب می‌خوردند و مست می‌شدند و با چاقو به همدیگر حمله می‌کردند. قضیه به اطلاع حضرت علی (ع) رسید. حضرت ایشان را زندانی کردند. دو نفرشان مردند و دو نفرشان زنده ماندند. اولیاء دم دو مقتول از حضرت علی (ع) تقاضا کردند که دو نفر زنده مانده در مقابل کشته شدگان قصاص شوند. حضرت علیه السلام به ایشان فرمودند: «فلعل ذینک اللذین ماتا قتل کل واحد منهما صاحبه» یعنی شاید این دو نفر که کشته شدند هر کدام قاتل دیگری بوده است. اولیاء دم دو نفر کشته شده را بر عاقله هرچهار نفر قرار می‌دهم و دیه جراحات دو نفر زنده مانده را از دیه کشته شدگان کسر می‌کنم.» از

اینکه حضرت علی (ع) فرمود: شاید آن دو نفر هر یک قاتل دیگری باشد استفاده می‌شود که اگر بدانیم که مست مرتکب قتل شده است یعنی استناد قل به او محرز باشد، قصاص وجود دارد لکن گون در خصوص این قضیه نمی‌دانیم چه کسی یا کسانی مرتکب قتل شده اند، قصاص منتفی است. برخی فقها به این روایت برای قصاص مست قائلند هر چه درحین قتل، اراده لازم را نداشته و کاملاً مسلوب الاراده بوده است.

ادله عدم مسئولیت کیفری

در قبال آنچه بیان شد، نظر دوم آن است که مست، مسئولیت کیفری نسبت به جرایم ارتكابی را به علت فقدان اراده ندارد. آنچه در حقوق کیفری برای تحقق مسئولیت کیفری لازم است، علاوه بر انجام عنصر مادی و رفتار مجرمانه جرم، وجود اراده و اختیار و علم در مجرم است. اینست که در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین جزایی از «علم و آگاهی» صحبت شده است و در روایات نیز بر اراده تأکید شده چنانچه در تفسیر قتل عمد در روایات آمده: «ان الخطاء ان یعمده و لا یرید قتله بما لا یقتل مثله» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۹ق، باب ۱۱) یعنی خطا شبه عمد آن است که قصد وقوع فعل بر او را با چیزی که مثل آن کشنده نیست دارد. بنابراین چون مست، از اراده و شعور لازم در حین ارتكاب جرم برخوردار نبوده، مسئولیت کیفری نسبت به جرایم ارتكابی در چنین وضعیتی ندارد.

ارتكاب جرم در شرایط عادی موجب مسئولیت جزایی است؛ مگر اینکه مجرم گاه بدلالی بیشتر ذهنی تا عینی، قابلیت تحمل بار مسئولیت را تحمل کند. در این شرایط می‌گویند نمی‌توان جرم را به مجرم نسبت داد و لذا مسئولیت کیفری نخواهد داشت. گرچه برخی از حقوقدانان که نظر آنها با منطق حقوقی سازگارتر است معتقدند که اگر قصد مجرمانه‌ای برای ارتكاب وجود نداشته باشد، جرمی اتفاق نیفتاده است ولی چنانچه جرم را فعل یا ترک فعل قابل مجازات یا اقدامات تامینی بدانیم که صرفاً اجرای عنصر مادی جرم بر احراز آن کفایت می‌کند، می‌توان گفت که ظاهراً جرم اتفاق افتاده است ولی در باطن اگر معلوم شود که سوء نیت نداشته یا در شرایط اجبار قرار داشته، مسئولیتی متوجه مجرم نیست. (نوربها، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵)

ویژگی‌هایی که ممکن است تا فردی دارای مسئولیت و مخاطب حقوق کیفری قرار گیرد عبارت است از: ۱. عقل ۲. بلوغ ۳. قصد ۴. اختیار ۵. علم و آگاهی؛ که هرگاه تنها در یکی از این عوامل خلل وارد شود فرد نمی‌تواند حتی بطور بالقوه دارای مسئولیت کیفری قرار گیرد. البته در این جا بحث تنها راجع به کسی است که در قوه عقلانی وی خلل وارد است. چنین شخصی را نمی‌توان مجرم یعنی دارای مسئولیت کیفری بالفعل دانست زیرا مسئولیت کیفری بالفعل در او شکل نگرفته یا بر فرض تشکیل، از میان رفته است. به عبارت دیگر هرگاه در قوه سنجش و قضاوت فرد که آن را عقل می‌نامیم خلل وارد شود دیگر او توان فهم خواسته‌های فردی و اجتماعی از خود را ندارد و از خطابه‌های قانونگذار هیچ در نمی‌یابد. شخصی که حین ارتکاب جرم فاقد قوه تمییز است نمی‌تواند مسؤول بزه انجام یافته باشد؛ به عبارت دیگر توان تحمل بار مسئولیت و به تبع آن مجازات در این شرایط وجود ندارد. در کلیه مواردی که مسئولیت جزایی با عللی که زایل‌کننده آن هستند زیر سؤال می‌رود، مجرم قابل مجازات نخواهد بود. تنها باید به این نکته توجه داشت که علل رافع مسئولیت گاه بطور کامل مسئولیت جزایی را از بین می‌برند (علل تام رافع مسئولیت) و گاه فاقد آنچنان نیرویی هستند که زایل‌کننده تام مسئولیت جزایی باشند (علل نسبی رافع مسئولیت). البته باید توجه داشت که زوال مسئولیت جزایی غالباً موجب زوال مسئولیت مدنی نیست. به عنوان مثال، جرم انجام یافته از ناحیه مجنون یا صغیر (علل تام رافع مسئولیت)، می‌تواند موجب ادعای جبران خسارت باشد.

نتیجه

بزرگترین مشکل مصرف‌کنندگان روان‌گردان‌ها پایان سرخوشی اولیه است. زیرا با از بین رفتن تأثیر دارو و نشنگی حاصل از سوء مصرف افسردگی شدید و عمیق بروز می‌کند. افسردگی همراه با عوارض دیگر مانند بی‌قراری، اضطراب، خستگی و کوفتگی عضلات، همچنین بی‌انگیزگی و بی‌تفاوتی شدید در زندگی روزمره فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کنار این موارد میل مفرط و شدید به مصرف مجدد مواد نیز در فرد به وجود می‌آید که می‌تواند اولین قدم و همچنین قدم تعیین‌کننده در راه وابستگی روانی به مواد مخدر باشد.

استعمال طولانی مدت مواد موجب اختلال در بهداشت و سلامت جسمانی و روانی فرد می‌شود که با بروز بسیاری از بیماری‌های مزمن و خطرناک همراه است. همچنین از آنجا که اعتیاد بیشتر به هنگام ایجاد و ساخت خانواده و در ارزشمندترین سال‌های زندگی، از نظر میزان کارایی، بیشترین تأثیر را بر زندگی خانوادگی و شغلی فرد می‌گذارد. مواد روانگردان تنها به فرد مصرف کننده آسیب نمی‌رساند بلکه به هر کس که با وی در تماس باشد آسیب می‌رساند.

اگر چه در گذشته فقها به تحریم مطلق مصرف مواد مخدر فتوا نداده و آن را منوط به تحقق ضرر کرده اند، ولی اکنون که ضرر داشتن آن بر همه آشکار شده است، در حرمت آن تردیدی باقی نمی‌ماند.

استعمال مواد مخدر در حدی که آثار زیانبار آن محسوس باشد- چنان که غالباً در اشخاص معتاد چنین است - بی تردید مشمول حرمت در فقه اسلامی می‌باشد.

در لابه لای کلمات فقهای بزرگ قدیم نیز کلماتی وجود دارد که حکایت از حرمت مواد مخدر نزد آنان دارد. البته فقها در مبنای تحریم مواد مخدر با یکدیگر اختلاف داشته و دارند. برخی به عنوان یک موضوع مستقل، قایل به حرمت بوده اند.

دلیل اصلی حرمت استعمال مواد مخدر حکم عقل و تطبیق برخی از قواعد و احکام قطعی فقهی بر آن می‌باشد، البته در تبیین دلیل عقل و چگونگی حکم عقل می‌توان صور مختلفی ترسیم نمود.

برخی حکم به حرمت مواد مخدر کرده اما نه از باب قیاس به خمر بلکه آن را مسکر دانسته و از آنجا که در شرع اسلام حرمت استعمال مسکرات امری مسلم می‌باشد، حرمت مصرف مواد مخدر را مسلم دانسته اند.

کارشناسان مواد مخدر بر این اعتقاد دارند که فرآورده های حشیش و تریاک که مورد سوء مصرف قرار می‌گیرند، به طور قطع از مسکرات هستند، زیرا برای مدت زمانی عقل را زایل می‌کند و انسان را به مرحله ی حیوانی و بی خودی ساقط می‌کند.

ملاک در تشخیص مسکر از غیر مسکر و خمر از غیر خمر، عرف می‌باشد. در نظر عرف نمی

توان مواد مخدر را عین مسکر دانست تا احکام مختلف آن را بر مواد مخدر بار نمود. در عین حال با نظر به روایات حرمت خمر و مسکرات و فلسفه و علت حرمتی که برای آنها بیان شده، شاید بتوان از باب تنقیح مناط، حکم حرمت خمر و مسکرات را به مواد مخدر سرایت داد، زیرا تمام علت و فلسفه حرمت خمر را که در روایات صحیحه آمده است، امروزه به روشنی در استعمال مواد مخدر می‌یابیم.

منابع و مأخذ

قرآن مجید

۱. آقایی، هادی، (۱۳۸۴)، مجله علمی و پزشکی قانونی، ارش، شماره ۱۸.
۲. احمدرضایی، علی، (۱۳۹۲)، مبانی حکم فقهی مواد مخدر، بی جا، بی نا.
۳. اکبری، احمد، ۱۳۸۲، بررسی مواد روانگردان و مخدر در اسناد ملی و بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، پایان نامه کارشناسی ارشد، گرایش حقوق بین الملل عمومی.
۴. باصری، علی اکبر، (۱۳۸۹)، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام، تهران، خرسندی، چاپ سوم.
۵. بررسی تاثیر مواد الکلی در جرم از منظر قانون و فقه، (۱۳۹۰)، سایت اندیشه نوین.
۶. بررسی مواد روانگردان و مخدر در اسناد ملی و بین المللی، (۱۳۸۴) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، استاد راهنما، جناب آقای دکتر علی امیری.
۷. جعفری، حسین، (۱۳۹۵)، داروهای روان گردان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران، گروه فارماکولوژی، <http://dr-h-jafari.blogfa.com/> ۰۳/۱۳۹۵.
۸. حبیب الله عظیمی؛ مسعود اصغری، (۱۳۹۲)، بررسی حکم شرعی استعمال مواد مسکر و روان گردان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی، مقاله ۶، دوره ۹، شماره ۳۴.
۹. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
۱۰. حلی، حسین بن مطهر، (۱۴۱۵ق)، المعتمد، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. خامنه ای (الحسینی) سید علی، (۱۳۸۷)، اجوبه الاستفتاءات، چاپ دوم، بیروت، دار الوسيله.
۱۲. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، التنقیح، تقریرات میرزا علی غروی تبریزی، ۴۳ جلدی، چاپ دوم، قم دارالهادی.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۹ق)، اجود تقریرات، تقریرات لایحاث الاستاذ الاکبر امام المحققین المجدد المیرزا محمد حسین الغروی النائینی، قم، مؤسسه صاحب الامر.

۱۴. روزنامه همشهری، (۸۹/۳/۱۰)، شماره ۳۳۹۴.
۱۵. زیدان، عبدالکریم، (۱۴۲۷ق)، *الوجیز فی اصول الفقه*، تهران، احسان، چاپ هفتم.
۱۶. سایت اندیشه نوین، (۱۳۹۰) بررسی تاثیر مواد الکلی در جرم ازمنظر قانون و فقه.
۱۷. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۱۷ق) *ماوراء الفقه*، ج ۷، بیروت، دار الاضواء.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۵۰ق) *تهذیب الاحکام*، ج ۳، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. طیار، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۸ق)، *المخدرات فی الفقه الاسلامی*، ریاض، دارابن الجوزی، چاپ دوم.
۲۰. فاضلی، عصمت، (۱۳۸۱)، *نقش افراد در زندگی و والدین و دوستان یا همسالان، سوء مصرف مواد، مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی اعتیاد و خانواده*.
۲۱. الکاسانی الحنفی، أبو بکر بن مسعود بن أحمد، (۱۴۰۶ق)، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۲. گلپایگانی، محمد رضا، (بی تا)، *فقه گلپایگانی، تقریرات محمد هادی مقدس*، ۱۱ جلدی، بی چا، قم دارالقرآن الکریم.
۲۳. گودرزی، فرامرزی، (۱۳۷۲)، *پزشکی قانونی*، تهران.
۲۴. محقق داماد، مصطفی، (۱۴۰۶ق)، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۵. موحیدیان عطار، علی (۱۳۹۴)، *سایت: <http://www.alimovahedian.com/index.aspx?pid=home#۹۱۲۷۶&articleid=۹۹>*
۲۶. نراقی، ملا احمد، (۱۴۰۸ق)، *عوائد الایام*، چاپ دوم، قم مکتبه بصیرتی.
۲۷. نوربها، دکتر رضا (۱۳۸۸)، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ بیست و پنجم.
۲۸. وبسایت ارتباطات شیعی، (۱۳۹۱) *درس خارج فقه استاد مصطفوی*.
۲۹. وبسایت فقه حکومتی <http://vasael.ir/fa/print>
۳۰. www.kavosh.com.mavadravangardantavahomza